

نمای نزدیک

فیلم‌های کارنامه پل توماس اندرسن

سیدنی (۱۹۹۶)



سیدنی یا همان برد دشوار، نخستین فیلم کارنامه پل توماس اندرسن است. او زمانی که توانست این فیلم را بسازد تنها ۲۶ سال داشت. البته با در نظر گرفتن آنچه نویسنده فیلمساز جوان پس از برد دشوار ساخت، این فیلم بیشتر به خاطر معمولی بودنش است که در یادها مانده است. داستانی از دوستی بین یک قمارباز مرموز با یک بدبخت فلک‌زده و بی پول که در رستورانی بین لس آنجلس و لاس‌وگاس باهم آشنایی شوند.

شب‌های عیاشی (۱۹۹۷)



این شاهکار سرگجیه‌آور به‌عنوان دومین فیلم پرمغز و احساس پل توماس اندرسن، کارگردان ۲۸ ساله را به‌عنوان مرد جوانی که در حرفه خود استعداد ذاتی فوق‌العاده‌ای دارد، ثابت کرد. اما این تنها اعتمادبه‌نفس پشت پرده نیست که از شب‌های عیاشی یک فیلم فوق‌العاده می‌سازد، بلکه سخاوتمندی فراوانی که اندرسن نسبت به شخصیت‌هایش، حتی رقت‌انگیزترین و زیباترین آنها دارد، فیلم‌رادرشان کرده است.

مگنولیا (۱۹۹۹)



من به تو بزرگترین حسرت زندگی‌ام را خواهم گفت: گذاشتم عشقم برود. فیلم مگنولیا چیزیهای بسیاری دارد، اما قبل از هر چیز یک فیلم درباره مردمی است که برای زندگی کردن و عبور از دردهای خود می‌جنگند. این تم تنها در تمام ۹ قسمت این داستان جریان دارد، بلکه از هر دو فاز زندگی کاری پل توماس اندرسن تراوش می‌کند.

عشق مست لایعقل (۲۰۰۲)



پس از ضربه محکمی که فیلم‌های جدی، دیوانه‌وار و سرگرم‌کننده‌های مثل مگنولیا و شب‌های بویگی با ایده‌های متهورانه‌شان به تماشاگر زدند، فیلم بعدی اندرسن یک کمدی رمانتیک ۹۰ دقیقه‌ای با حضور آدم سندلر، طرفداران او را دچار حیرت و غافلگیری کرد. عشق مست لایعقل با همان پنج رانک لاو فیلم تفرقه‌انداز این کارگردان است، حتی تا امروز هم بسیاری بر این عقیده‌اند که این فیلم از بهترین‌های اندرسن است و در واقع فیلم شاهکار او است و برخی دیگر هم آن را نشانه قفل کردن اسلحه اومی دانند.

خون په یا خواهد شد (۲۰۰۷)



خون په یا خواهد شد عالی‌ترین فیلم آمریکایی قرن بیست‌ویکم است و این عبارت بیشتر طبیعت‌بینی این فیلم است تا مدح و ستایش آن. این فیلم برای خود یک ژانر است که تاریخ انقضای گذشته بود و بیشتر توسط هم‌شهری کین و پدرخوانده از آن کبی شده بود و ماهیت داستان آن روانی‌های خودساخته است که امپراتوری خود را روی اجساد دشمنان خود به پا کرده و رؤیای آمریکایی را دنبال می‌کنند تا زمانی که تنها چیزی باشد که برایش باقی مانده است. اینها تصاویر عنصری بر از مردهی هستند که سرمایه‌داری را رقابتی خونین می‌بینند و با چنان ولعی پول درمی‌آورند که خشونت‌بنیادین بازار آزاد را آشکار می‌کنند.

استاد (۲۰۱۲)



پیچیده‌ترین و رمزی‌ترین فیلم اندرسن استاد همیشه شما را به درون خودتان برده و شگفت‌زده می‌کند. ای. او. اسکات در توصیف دقیقی از این فیلم گفته: فیلمی که با فهمیدن مخالفت می‌کند، حتی زمانی که ایمانی شگفت‌انگیز و پراحساس را به مخاطب القا می‌کند. اما توضیحی برای اینها وجود دارد، حتی اگر اندرسن اشاره واضحی به آنها نکرده باشد، هر معنی و مفهومی که تصمیم‌گیرندگان این داستان بیرون بکشند با خودتان است.

فساد ذاتی (۲۰۱۴)

اگر استاد فیلم نفوذناپذیر و مرموز اندرسن بود، پس فساد ذاتی هم به همان اندازه غیرقابل‌سوخ و میهم است. با این تفاوت که این بار به شکل تمکین‌ناپذیری در مه‌ای غلیظ فرو رفته است. اندرسن در اقتباسی ماهرانه و دیوانه‌وار از مان فساد ذاتی و پراچساس را به مخاطب القا می‌کند. اما توضیحی برای اینها وجود دارد، حتی اگر اندرسن اشاره نهفته در این داستان گیج‌کننده برسد. این فیلم یک ادیسه نوار و شیرین از نظام سرمایه‌داری مه‌آلود اخیر است.



«رشته خیال» به روایت پل تامس اندرسن

دیوانه می شویم...

که به احتمال زیاد من خودم هم نفر بعدی خواهم بود. اما نمی‌توانم از این موضوع بگذرم که بشدت به فیلم‌های عاشقانه کوتیکی که استادان سینما ساخته‌اند، علاقه دارم. نکته جذاب این فیلم‌ها این است که تعلق دارند تر کیک یک قصه عاشقانه با تعلق بسیار جذاب است، بنابراین سعی کردم این تلفیق را در رشته خیال داشته باشم.

جایی گفته بودید که خیلی وقت است می‌خواهید دوباره با دی‌لوییس کار کنید؛ درست است؟

بله، یک چند وقتی می‌شد که مدام داشتم به یک همکاری با دانیل دی‌لوییس فکر می‌کردم، چون تجربه قبلی مان را هر دو بسیار دوست داشتیم. البته همیشه تلاش برای تکرار موفقیت کار خطرناکی است، اما خطر نکردن هم نوعی دیوانگی است؟

خوب روز نخست بشدت استرس داشتم، به‌هر حال نمی‌دانستم چگونه آدمی است، اما خیلی زود ارتباطمان بهم بهتر شد و حتی می‌توانم بگویم یک رابطه عمیق بین ما ایجاد شد.

جایی گفتید که خیلی وقت است می‌خواهید دوباره با دی‌لوییس کار کنید؛ درست است؟

بله، یک چند وقتی می‌شد که مدام داشتم به یک همکاری با دانیل دی‌لوییس فکر می‌کردم، چون تجربه قبلی مان را هر دو بسیار دوست داشتیم. البته همیشه تلاش برای تکرار موفقیت کار خطرناکی است، اما خطر نکردن هم نوعی دیوانگی است؟

خوب روز نخست بشدت استرس داشتم، به‌هر حال نمی‌دانستم چگونه آدمی است، اما خیلی زود ارتباطمان بهم بهتر شد و حتی می‌توانم بگویم یک رابطه عمیق بین ما ایجاد شد.

جایی گفتید که خیلی وقت است می‌خواهید دوباره با دی‌لوییس کار کنید؛ درست است؟

بله، یک چند وقتی می‌شد که مدام داشتم به یک همکاری با دانیل دی‌لوییس فکر می‌کردم، چون تجربه قبلی مان را هر دو بسیار دوست داشتیم. البته همیشه تلاش برای تکرار موفقیت کار خطرناکی است، اما خطر نکردن هم نوعی دیوانگی است؟

خوب روز نخست بشدت استرس داشتم، به‌هر حال نمی‌دانستم چگونه آدمی است، اما خیلی زود ارتباطمان بهم بهتر شد و حتی می‌توانم بگویم یک رابطه عمیق بین ما ایجاد شد.

جایی گفتید که خیلی وقت است می‌خواهید دوباره با دی‌لوییس کار کنید؛ درست است؟

بله، یک چند وقتی می‌شد که مدام داشتم به یک همکاری با دانیل دی‌لوییس فکر می‌کردم، چون تجربه قبلی مان را هر دو بسیار دوست داشتیم. البته همیشه تلاش برای تکرار موفقیت کار خطرناکی است، اما خطر نکردن هم نوعی دیوانگی است؟

خوب روز نخست بشدت استرس داشتم، به‌هر حال نمی‌دانستم چگونه آدمی است، اما خیلی زود ارتباطمان بهم بهتر شد و حتی می‌توانم بگویم یک رابطه عمیق بین ما ایجاد شد.

جایی گفتید که خیلی وقت است می‌خواهید دوباره با دی‌لوییس کار کنید؛ درست است؟

بله، یک چند وقتی می‌شد که مدام داشتم به یک همکاری با دانیل دی‌لوییس فکر می‌کردم، چون تجربه قبلی مان را هر دو بسیار دوست داشتیم. البته همیشه تلاش برای تکرار موفقیت کار خطرناکی است، اما خطر نکردن هم نوعی دیوانگی است؟

خوب روز نخست بشدت استرس داشتم، به‌هر حال نمی‌دانستم چگونه آدمی است، اما خیلی زود ارتباطمان بهم بهتر شد و حتی می‌توانم بگویم یک رابطه عمیق بین ما ایجاد شد.

جایی گفتید که خیلی وقت است می‌خواهید دوباره با دی‌لوییس کار کنید؛ درست است؟

بله، یک چند وقتی می‌شد که مدام داشتم به یک همکاری با دانیل دی‌لوییس فکر می‌کردم، چون تجربه قبلی مان را هر دو بسیار دوست داشتیم. البته همیشه تلاش برای تکرار موفقیت کار خطرناکی است، اما خطر نکردن هم نوعی دیوانگی است؟

خوب روز نخست بشدت استرس داشتم، به‌هر حال نمی‌دانستم چگونه آدمی است، اما خیلی زود ارتباطمان بهم بهتر شد و حتی می‌توانم بگویم یک رابطه عمیق بین ما ایجاد شد.

باز بزرگی روبرو می‌شود که قدرت انجام خواسته‌هایش را ندارد یا این که حداقل در سطح انتظارش نیست، آن وقت است که همه چیز برایش دشوار می‌شود، حتی برای بازیگران دیگر هم همکاری با چنین بازیگرانی کار دشواری است و البته برای افراد پشت‌صحنه بگذارید این را واضح بگویم که من خودم در این موقعیت دشوار قرار گرفته‌ام.

نخستین ملاقاتتان با دانیل دی‌لوییس را یادتان هست؟ آیا قبل از فیلم خون په یا خواهد شد او دیدار کرده بودید؟

یادم هست که وقتی نخستین بار به خانه‌اش در نیویورک رفتم، تنها کاری که با هم کردیم این بود که نشستیم و جای خوردیم و البته سه چهار ساعت هم با هم حرف زدیم. این دیدار فردای آن روز، روز بعد و روزهای بعدتر هم تکرار شد.

آیا چیزی دیدید؟

خوب روز نخست بشدت استرس داشتم، به‌هر حال نمی‌دانستم چگونه آدمی است، اما خیلی زود ارتباطمان بهم بهتر شد و حتی می‌توانم بگویم یک رابطه عمیق بین ما ایجاد شد.

جایی گفتید که خیلی وقت است می‌خواهید دوباره با دی‌لوییس کار کنید؛ درست است؟

بله، یک چند وقتی می‌شد که مدام داشتم به یک همکاری با دانیل دی‌لوییس فکر می‌کردم، چون تجربه قبلی مان را هر دو بسیار دوست داشتیم. البته همیشه تلاش برای تکرار موفقیت کار خطرناکی است، اما خطر نکردن هم نوعی دیوانگی است؟

خوب روز نخست بشدت استرس داشتم، به‌هر حال نمی‌دانستم چگونه آدمی است، اما خیلی زود ارتباطمان بهم بهتر شد و حتی می‌توانم بگویم یک رابطه عمیق بین ما ایجاد شد.

جایی گفتید که خیلی وقت است می‌خواهید دوباره با دی‌لوییس کار کنید؛ درست است؟

بله، یک چند وقتی می‌شد که مدام داشتم به یک همکاری با دانیل دی‌لوییس فکر می‌کردم، چون تجربه قبلی مان را هر دو بسیار دوست داشتیم. البته همیشه تلاش برای تکرار موفقیت کار خطرناکی است، اما خطر نکردن هم نوعی دیوانگی است؟

خوب روز نخست بشدت استرس داشتم، به‌هر حال نمی‌دانستم چگونه آدمی است، اما خیلی زود ارتباطمان بهم بهتر شد و حتی می‌توانم بگویم یک رابطه عمیق بین ما ایجاد شد.

جایی گفتید که خیلی وقت است می‌خواهید دوباره با دی‌لوییس کار کنید؛ درست است؟

بله، یک چند وقتی می‌شد که مدام داشتم به یک همکاری با دانیل دی‌لوییس فکر می‌کردم، چون تجربه قبلی مان را هر دو بسیار دوست داشتیم. البته همیشه تلاش برای تکرار موفقیت کار خطرناکی است، اما خطر نکردن هم نوعی دیوانگی است؟

خوب روز نخست بشدت استرس داشتم، به‌هر حال نمی‌دانستم چگونه آدمی است، اما خیلی زود ارتباطمان بهم بهتر شد و حتی می‌توانم بگویم یک رابطه عمیق بین ما ایجاد شد.

جایی گفتید که خیلی وقت است می‌خواهید دوباره با دی‌لوییس کار کنید؛ درست است؟

بله، یک چند وقتی می‌شد که مدام داشتم به یک همکاری با دانیل دی‌لوییس فکر می‌کردم، چون تجربه قبلی مان را هر دو بسیار دوست داشتیم. البته همیشه تلاش برای تکرار موفقیت کار خطرناکی است، اما خطر نکردن هم نوعی دیوانگی است؟

خوب روز نخست بشدت استرس داشتم، به‌هر حال نمی‌دانستم چگونه آدمی است، اما خیلی زود ارتباطمان بهم بهتر شد و حتی می‌توانم بگویم یک رابطه عمیق بین ما ایجاد شد.

بهرتری است. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگوی پل توماس اندرسن بزرگ‌گاست پانشر به اینترتینمنت ویکلی.

می‌توانید بگویید که چرا تا این حد در اعلام نام این فیلم تردید داشتید؟ تا آن جایی که یادمان می‌آید نام فیلم خیلی دیر اعلام شد و تا مدت‌ها فقط فقط پروژه بی‌نام پل توماس اندرسن نامیده می‌شد.

خب اگر بگویم کمترین شک و تردید نداشتم، به این معنا خواهد بود که ایده‌های مختلفی برای اسم فیلم در ذهنم بود و آن وقت شما خواهید پرسید که پس چرا حتی یکی از این همه اسم را اعلام نکردید. نه این طور نیست. در واقع از همان ابتدای خواستیم اسم فیلم را رشته خیال بگذاریم؛ که نام فوق‌العاده‌ای هم هست. اما از آن جا که رشته خیال در عین حال نام یک کمپانی فیلمسازی هم هست، بنابراین تلاش کردیم بگردیم و ببینیم آیا نام دیگری پیدا می‌شود که به همین اندازه خوب و فرخ‌خور حال‌داستان باشد یا نه.

این که فیلم را در جشنواره‌ها نمایش ندادید چه؟ آیا این عاقلانه بود یا این که شرایط باعث شد تا فیلم بدون حضور در جشنواره‌ها اکران شود؟

نه، در این مورد هم قطع به یقین عمدی نداشتم. راستش در این فیلم اصلا پس از پایان فیلمبرداری وقتی نداشتم تا آن را به فست‌وال‌ها هم بفرستم.

ببینید، فیلمبرداری ما در ماه آوریل تمام شد. این یعنی دقیقاً در همان روزهایی که از قبل قراردادهای اکران فیلم بسته شده بود، ما تازه دوربین فیلم را به پایان رسانده بودیم و به همین علت هم کمترین فرصتی برای شرکت در جشنواره‌های سینمایی نداشتم.

بباید یک بازی با هم بکنیم. فرض کنید اگر سال‌ها قبل، مثلاً بعد از مگنولیا به شما می‌گفتند

هشتمین فیلم‌تان چنین فیلمی خواهد بود، چه تصویری کردید؟

جالب است. خوب حداقل بگذارید کمی فکر کنم. خوب شاید می‌گفت: یعنی واقعا من در هشت فیلمی که ساخته‌ام فقط و فقط با دانیل دی‌لوییس کار کرده‌ام؟ فکر می‌کنم در مواجهه با چنین پرسشی این نخستین واکنش من می‌توانست باشد.

جایی گفتید این نخستین بار که دانیل دی‌لوییس را دیدید، مرعوب شخصیتش شدید؛ درست است؟ می‌شود بگویید که آیا اصلا بازیگران مرعوب‌تان می‌کنند یا نه؟

بگذارید برای تان مثالی بزنم: کونتین تارتینو همیشه در این مورد یک جمله جالبی دارد. او گفته که من مرعوب بازیگران خوب نمی‌شوم، بازیگران بد هستند که من را وحشت‌زده می‌کنند. معنی این گفته‌ها هم روشن‌تر از روشن است، یعنی یک بازیگر خوب موجب ایجاد کارهای راحت‌تر و لذت‌بخش‌تری می‌شود، ولی زمانی که کارگردانی

امین فرج پور | رشته خیال برای سینما دوستان یکی از کنجکاو‌ترین انگیزترین فیلم‌های ماه‌های اخیر بوده است. فیلمی به کارگردانی پل تامس اندرسن همیشه کنجکاو‌ترین انگیز که با وجود این که در مراسم اسکار کاملاً نادیده گرفته شد، اما با داستان تکان‌دهنده‌اش درباره رینولدز وود کاک، طرح مد ۱۹۵۰ لندن توانسته منتقدان و سینما دوستان را راضی کرده و در فهرست محبوب‌ترین فیلم‌های این چند وقت اخیر جایگاه شامخی را به دست آورد.

داستان فیلم رشته خیال درباره طرح لباس زنان اشرافی جامعه انگلیس است که شیفته و فریفته هنرش است. این طرح که رینولدز وود کاک نام دارد و نقشش را دانیل دی‌لوییس صاحب‌نام به شکل شگفت‌آوری بازی کرده، درگیر عشقی سرگرم می‌شود که موتور محرک فیلم است. در واقع رینولدز پل توماس اندرسن از لندن پس از جنگ جهانی در دهه ۵۰ تمرکزش بر زندگی یک طرح لباس زنانه و خواهرش به نام رینولدز و ساریل وود کاک است که در مرگ لندن برای اشراف و ستاره‌های سینما و گاهی مردم عادی لباس طراحی می‌کنند و می‌دوزند. موضوعی که پل توماس اندرسن ششلیک می‌کند و است از رفت‌وآمد زن‌های کوناگون؛ تا می‌نمایی از پدر مده‌ها بازی‌جسور به نام آلیا یگانه عشق زندگی‌اش را تجربه می‌کند و این تجربه تمامی زندگی او را دچار تغییر می‌کند. اندرسن در گفت‌وگو با اینترتینمنت ویکلی گفته:

این فیلم یک داستان عاشقانه متعارف نیست و بی‌تردید نمونه خاصی تر و عجیب‌وغریب‌تری است. فیلمسازان زیادی سعی کردند فیلمی مانند ریکا (آلفرد هیچکاک) بسازند، ولی تا کاملاً ماندگار من هم احتمالاً نفر بعدی خواهم بود. اما به‌هر حال این فیلم داستان متفاوتی دارد. من طرفدار پروپاقرص آن فیلم‌های عاشقانه عظیم گوتیک هستم که استادان قدیم جهان سینما سراغ‌شان می‌رفتند. موضوعی که درباره‌های عاشقانه دوست‌دارم، تعلق و هیجانی است که در آنها وجود دارد. تعلق تمام‌عیار در کنار داستانی عاشقانه، یک ترکیب جذاب است...

فیلم در روایت داستانش از بازی‌های حیرت‌انگیز دانیل دی‌لوییس، لولی مانویل و ویکی کریس بهره‌مند است؛ با این که در این رشته‌ها هر رشته خیال به نحو حیرت‌انگیزی نادیده گرفته شده و در محاف مانده؛ که این نیز نشان از خوش سلیقه‌ی انتخاب‌کنندگان آکادمی دارد. درباره رشته خیال این را نیز باید گفت که نخستین نمایش فیلم رشته خیال در تاریخ ۱۱ دسامبر ۲۰۱۷ در شهر نیویورک بود و سپس در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۷ در بقیه ایالات آمریکا اکران شد. این فیلم جایزه اسکار بهترین طراحی لباس دومین دوره جوایز اسکار را به دست آورد و در پنج بخش دیگر از جمله اسکار بهترین فیلم و بازیگر نقش اول مرد نامزد دریافت جایزه بود. همچنین جایزه ستلایت بهترین فیلم نیز به رشته خیال اهدا شد. در ساره‌ها این فیلم گفته‌اند این که در نظر منتقدان تاکنون «استاد» بهترین فیلم کارنامه اندرسن قلمداد می‌شود. اما رشته خیال از بسیاری جهات از استاد هم فیلم

رشته خیال از نگاه منتقدان

روش هیولاوار عشق ورزیدن

جزییات که همگی با ظرافت فوق‌العاده‌ای منتقل می‌شوند. در حین دوطرفه‌نگاری می‌بینند. هم‌چنان که رشته خیال بین یک اثر شخصیت‌محور پیچیده و یک کمدی رمانتیک نامتعارف و البته بازمه روشنی درامی تاریخی و مهیج داستانی سحرآمیز



تیم گریسن، منتقد اسکرین اینترنشنال نمره ۱۰۰ را از ۱۰۰ نمره ممکن به فیلم داده و نوشته: پل توماس اندرسن درامی سلیس و بی‌شک تکان‌دهنده خلق کرده است. اجرای آرام و کم‌دیالوگ دانیل دی‌لوییس و ویکی کریس به تدریج به فیلم عمق عجبی می‌دهد تا ماده داستانی که بشدت در خطر تبدیل شدن به کلیشه گرفتاری‌های هنرمند بزرگ بود را به چیزی بسیار غنی‌تر و مرموزتر درباره هوس، جاهطلبی و کنترل تبدیل کند.

تا دم‌کاری می‌هم در هالیوود ریبورت همان نمره ۱۰۰ را داده و نوشته: گذشته از کلیات فرم و محتوا، لحظه‌لحظه رشته خیال نامتعارف و عجیب است. فیلمی منحصر به‌فرد که بیشتر اوقات در اتاق‌های کوچک می‌گذرد و به نوعی بازگشتی است به ملودرام‌های روان‌شناختی دهه‌های ۴۰ و ۵۰، با این حال از نظر استایل و سبک حاوی نکاتی است که تمام‌متعلق به خودش است.

پیتر برادشو، منتقد گاردین عقیده دارد: تماشای فیلم تماماً لذتی خاص و خالص است. در غایت‌ها، در غیظ‌ها و حرارت‌ها و در رشد تدریجی پوچی در